

چرا FATF زنجیره تحریم آمریکا علیه مردم ایران را کامل می کند ؟



حسین حاجیلو: بعد از برجام و با عدم عادی شدن روابط بانکی خارجی، خصوصاً پرهیز بانکهای بزرگ خارجی از همکاری با ایران، دولت قرار داشتن ایران در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی FATF را به عنوان مانع اصلی شناسایی کرد و برای خارج شدن از این لیست وارد مذاکره با FATF شد. FATF برنامه اقدام ایران را تنظیم و ارایه کرد و از ایران خواست تا تعهد سطح بالای سیاسی خود را برای اجرای کامل آن ارایه دهد.

طیبنیا وزیر وقت اقتصاد و رئیس شورای عالی مبارزه با پولشویی از طرف دولت ایران برای اجرای برنامه اقدام این نهاد بینالدولی مطابق با قانون اساسی تعهد داد. FATF تعهد سطح بالای سیاسی ایران را پذیرفت و در خرداد ماه 1395 در نشست بوسان، FATF تصمیم گرفت ایران را از حالت کانتر مژر تعلیق کرده و اقدامات ایران برای اجرای کامل برنامه اقدام را رصد کند.

* هفت خطای راهبردی دولت در پیگیری FATF

در مدت تقریباً سه سالی که از شروع این پرونده میگذرد، دولت خطاهای راهبردی را مرتکب شده است که اگر هرکدام از آنها رخ نداده بود، وضعیت این پرونده در حال حاضر متفاوت و کمی بهتر از وضع کنونی بود. در این نوشته به این خطاهای راهبردی اشاره میشود. هدف از بیان این خطاها نه مقابله سیاسی با دولت بلکه باز شدن نگاه تصمیمگیران به پیچیدگیهای این مسئله است تا در ادامه مسیر تصمیمهای کمهزینهتری اخذ شود:

1 — اولین خطای راهبردی دولت، عدم تشخیص درست علت مشکل روابط بانکی بود. دولت مشاهده میکرد که بانکهای بزرگ بین المللی حاضر به همکاری با ایران در دوران پسابرجام نیستند، اما درک صحیح از

ریشه آن نداشت. علت اصلی عدم همکاری بانک‌های بزرگ خارجی با ایران باقی ماندن ساختار تحریم‌های ثانویه بانکی نسل دوم بود و نه پایین بودن استانداردهای شفافیت در ایران. ساختار تحریم‌های ثانویه بانکی نسل دوم در قوانین چهارگانه کنگره علیه ایران شکل گرفته بود که در برجام هیچ کدام تعلیق یا متوقف نشد، حتی مواردی که در متن برجام مورد اشاره قرار گرفت با نامه جان‌کری وزیر وقت خارجه آمریکا به کنگره، عملاً شامل توقف موقت اجرا هم نشد، لذا دولت درک درستی از ریشه اصلی عدم همکاری بانک‌های بزرگ خارجی با ایران در پس‌برجام نداشت و مسیر اشتباهی را دنبال کرد.

2 — خطای راهبردی دوم دولت عدم درک صحیح از نسبت استانداردها و مأموریت FATF با تحریم‌های اقتصادی آمریکا خصوصاً تحریم‌های بانکی بود. تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران درون دولت، علیرغم وجود نسبت‌های بسیار روشن میان استانداردها و مأموریت FATF با تحریم‌های اقتصادی آمریکا که به یک ابزار راهبردی برای این کشور در سال‌های اخیر تبدیل شده است، این نسبت را ندیده و فهم نکرده این دو را پدیده‌های مستقل ارزیابی می‌کردند، در نتیجه، با سرعت به‌سمت اجرا و پیاده‌سازی موارد برنامه اقدام روی آوردند، در حالی که این راهبرد غلط، در زمانی که تحریم‌های ثانویه بانکی آمریکا پابرجا است، منجر به عمیق‌تر شدن و درونی شدن این تحریم‌ها می‌شود که مشکلات بسیار بزرگتری در اقتصاد و اجتماع و سیاست ایران پدید می‌آورد. بی‌توجهی دولت به این مسئله کنار آگاهی نخبگانی از آن، این ذهنیت را تقویت کرد که دولت به دنبال حذف سایر نهادهای قدرت در کشور است و لذا اثر منفی بر تعاملات آنها با دولت گذاشت.

3 — سومین خطای دولت، مذاکره ضعیف با کمیته ICRG دبیرخانه FATF بود، مذاکره‌ای که بر تصورات غلط بنا شده بود و بدون توجه به تهدیدهایی که کشور با آن روبه‌رو بود، برنامه اقدامی مورد پذیرش قرار گرفت که ابعاد نگران‌کننده‌ای داشت، ابعادی که تکمیل و تعمیق‌کننده تحریم‌های آمریکا علیه ایران بود. به‌طور مشخص بخش هفتم برنامه اقدام که شامل اقدامات 28 تا 32 است، برای ایران در شرایط تحریمی غیر قابل اجراست، پس نباید از ابتدا در برنامه اقدام ایران قرار می‌گرفت و این کار جز با مذاکره قوی و مسلط به مباحث پیچیده تحریم و روابط بانکی شدنی نبود.

4 — خطای دیگر دولت عدم آشنایی دقیق و کامل با روندهای کاری FATF بود. تصور عمومی دولت در ابتدای شروع تعامل با FATF این بود که نیازی نیست تمامی اقدامات مشخص‌شده در برنامه اقدام به‌طور کامل

توسط ایران اجرا شود. برخی از دولتمردان تصور می‌کردند که تنها با اجرای چند اقدام از 41 اقدام، می‌توانند با FATF به توافق برسند تا ایران از بیانیه عمومی به‌طور کامل خارج شود، در حالی که این تصور کاملاً غلط بود و هیچ مستندی آن را تأیید نمی‌کرد.

دولت تنها توصیه‌های چهل‌گانه FATF را بدون توجه به متدولوژی ارزیابی و تفاسیر آنها دیده بود. گذر زمان و مشخص شدن جدیت FATF در مطالبه از ایران برای اجرای کامل برنامه اقدام، دولتمردان را در مسیری غیرقابل بازگشت قرار داد. اگر در ابتدا شناخت دقیقی از FATF در دولتمردان می‌بود می‌توانستند متفاوت رفتار کنند.

5 — خطای راهبردی بعدی دولت، عدم مهندسی کلان برای اجرای برنامه اقدام بود. از همان ابتدا مشخص بود مواردی در برنامه اقدام وجود دارد که به هیچ وجه از سوی ایران اجرا نخواهد شد، این موارد بیشتر از پیوستن به دو کنوانسیون بین‌المللی هستند، کافی است به سه بیانیه اخیر FATF درباره موارد باقی‌مانده برنامه اقدام که باید از سوی ایران تکمیل شود نگاهی انداخته شود، لذا انتظار این بود که دولت به‌گونه‌ای مهندسی می‌کرد تا کمترین هزینه سیاسی را در داخل برای اجرای برنامه اقدام بپردازد.

ارایه لوایح پیوستن به دو کنوانسیون بین‌المللی که از سخت‌ترین موارد برنامه اقدام است، باید زمانی صورت می‌گرفت که سایر موارد تعیین تکلیف می‌شد. وقتی دولت می‌داند که اجرای کامل برنامه اقدام خواست و نظر FATF است و اگر حتی یک اقدام هم باقی بماند، نمی‌تواند مطلوب دولت را در تعامل با FATF تأمین کند، چرا سخت‌ترین اقدامات را قبل از تمام شدن سایر اقدامات آغاز کرد؟ این موضوع، غیر از آنکه هزینه سیاسی دولت را در داخل کشور افزایش داد، چه آورده‌ای برای دولت داشت؟

6 — خطای دیگر، تعامل بسیار غلط دولت با جامعه نخبگانی در این قضیه مهم بود. دولت از همان ابتدا تصور کرد که منتقدان اجرای برنامه اقدام FATF متعلق به یک جریان سیاسی خاص بوده و مسئله آنها واقعی نیست بلکه به‌دنبال تضعیف دولت هستند. این تصور سبب شد که دولت به‌جای افزایش دقت در شناخت مسئله و یافتن راه‌های برون‌رفت از وضعیتی که برای خود ایجاد کرده بود، به رفتارهای سیاسی در مواجهه با جامعه نخبگانی روی آورد. همین رفتار را دولت با نهادهای تصمیم‌گیر و خصوصاً شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام داد. این رفتار نه تنها موجب پیشرفت مسئله نشد بلکه کار

دولت را در اقناع تصمیم‌گیران سخت‌تر کرد.

7 — خطای مهم دیگر دولت که در حال حاضر نیز جریان دارد، عدم درک صحیح از ریشه مشکلات ایجادشده در روابط محدود بانکی است. دولت مشکلات فعلی ایجادشده را به وضعیت ایران در FATF مرتبط می‌داند، با آنکه وضعیت ایران در FATF در سه سال گذشته تغییری نکرده است و نمی‌تواند عامل بروز مشکلات فعلی باشد. اما بسیار روشن است که مشکلات ایجادشده ناشی از بازگشت تحریم‌هایی است که طبق برجام از سوی آمریکا موقتاً اجرائیش متوقف شده بود. این خطا مانند خطایی است که در ابتدا دولت به آن دچار شده بود. اگر این خطا اصلاح نشود، تجربه‌های تلخ گذشته تکرار خواهد شد.

*پیشنهادی برای ادامه مسیر پیش‌رو

برای ادامه مسیر پیش‌رو می‌توان همین مسیر فعلی را دنبال کرد که به‌طور قطع برای دولت آورده‌ای نخواهد داشت. دولت باید متوجه باشد که مصلحتش همان مصلحت نظام است و این دو از یکدیگر قابل تفکیک نیست، به عبارت دیگر، همه در یک کشتی نشسته‌ایم.

پیشنهادی که می‌توان در این وضعیت ارائه داد ملزوماتی دارد که از مهم‌ترین آن لزوم تغییر دیدگاه دولت درباره نسبت FATF و تحریم‌های آمریکا است. همچنین دولت باید فهمی واقعی از نقش هر کدام در بروز مشکلات داشته باشد. تیم پیگیری‌کننده این موضوع نیز باید موارد فوق را باور داشته باشد. اگر این ملزومات مهیا شد می‌توان راه‌کار زیر را دنبال کرد:

دولت باید یک دوره مذاکره جدی را با FATF آغاز کند. هدف این مذاکره باید بازنگری و اصلاح برنامه اقدام ایران باشد. این مذاکره باید مبتنی بر این فهم پایه‌ای باشد که اجرای برخی از اقدامات برنامه اقدام تکمیل‌کننده تحریم‌های طالمانه آمریکاست و ایران آن‌ها را خلاف منافع ملی تشخیص داده و از اجرای آنها خودداری می‌کند.

اجرای این اقدامات در زمانی مورد پذیرش ایران قرار گرفته که آمریکا در برجام بود و برخی از تحریم‌های آمریکا موقتاً اجرائیشان متوقف شده بود. اکنون آمریکا از برجام خارج شده و تمامی تحریم‌های خود را به‌طور کامل بازگردانده است، لذا وضعیت محیطی که در آن برنامه اقدام شکل گرفته است، به‌طور اساسی تغییر کرده و مشمول حالت فورس مازور شده است، در این شرایط، طبیعی است که ایران به همه تعهدات خود در برنامه اقدام پایبند نباشد.

بر این اساس مذاکرات جدید برای اصلاح برنامه اقدام باید صورت گیرد و این اصلاحات شامل حذف مواردی است که ایران اجرای آنها را تکمیل‌کننده تحریم‌های آمریکا تلقی می‌کند، خصوصاً زمانی که رئیس فعلی FATF صریحاً اظهاراتی درباره سوءاستفاده آمریکا از رژیم‌های مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در راستای تکمیل تحریم‌های خود بیان می‌کند. این راهبرد زمان کافی برای ایران جهت باقی ماندن در حالت تعلیق بدون اجرای بیشتر مطالبات FATF را مهیا می‌کند که برای ایران مطلوب است.

دیدگاه، انتقاد و پیام هایتان برای انتشار در این ستون را از طریق نظرات خبرهای سایت، یا ارسال پیامك، تلگرام یا واتساپ به شماره های: 09172670030، یا 09172670031 و یا ارسال ایمیل از طریق mashalnews@yahoo.com اقدام فرمایید.

توجه: درج نظریات و مطالب ارسالی، لزوماً دیدگاه این پایگاه خبری نمی باشد و آمادگی خود را جهت درج توضیح یا جوابیه ادارات و شرکت های دولتی و خصوصی می باشیم.